

طهر

- تداعنی معانی / عمران صلاحی
- گل آقادر نگاه تاریخ / گیتی صفرزاده

در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را در انزوا می‌خورد و می‌تراشد. این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد...
بوف کور - صادق هدایت

چه گویم که ناگفتنم بهتر است

بین بیماری‌ها یک بیماری هست که از همه بدتر است. این بیماری آدم را بداخلاق می‌کند و باعث می‌شود آدم به جای این که به آسمان فکر کند، فکرش متوجه نقاط پایین باشد. مبتلایان به این بیماری روزنه امیدشان بسته است و به انتظار روز گشایش نشسته‌اند، البته اگر بتوانند بنشینند.

این عارضه با عمل جراحی برطرف می‌شود، اما خیلی‌ها با این درد می‌سازند و پیش پزشک نمی‌روند و حیثیت و آبروی خود را در معرض دید و دست او نمی‌گذارند. اینان معتقدند که حیثیت آدمی در همان نقطه مرکز است. آدم هر کجایش را عمل کند، به راحتی می‌تواند بگوید کجایش را عمل کرده است، اما این یکی را نه.

آقای «ب» که آدم بسیار بداخلاق بود، مدت‌هاست که اخلاقش خوب شده و می‌گوید و می‌خندد. واقعاً که بیماری بدی است. اگر کسی زمام امور مملکتی در دستش باشد و به این بیماری مبتلا گردد، ممکن است دست به کارهای خطرناکی بزند و مملکت را به جنگ و خونریزی بکشانند.

آقای «ب» خوشبختانه شغلی داشت که نمی‌توانست چندان صدمه‌ای به دیگران بزند. او دایرةالمعارفی داشت و مدت‌ها بود که شیرازه‌اش در رفته بود و احتیاج به صحافی و تودوزی داشت. بالاخره دایرةالمعارف بزرگ خود را به دست صحاف ماهری سپرد و حالا خوش و خندان است.

آقای «ب» با هزار زحمت اصطلاح خارجی این عارضه را یاد گرفته است. حالا هر کس از او می پرسد «کجایت را عمل کرده ای؟» می گوید «هموروئیدم را.» اصلاً مردم هم خیلی فضول هستند. چه کار دارید که کجایش را عمل کرده است. همین که طرف گفت عمل کرده ام، باید رضایت بدهید و دنباله اش را نگیرید.

به هر حال آقای «ب» حالا خوش و خرم است، مخصوصاً وقتی که توی آب گرم می گذارد. زمانی ما یک رساله پزشکی نوشته بودیم به نام «رساله آب سرد» و در آن پیشنهاد کرده بودیم برای رفع عصبانیت و رفع جوش آوردن، بزنند توی آب سرد. اما حالا باید در آن رساله تجدید نظر کنیم و کمی هم از فواید آب گرم بنویسیم. بعضی ها برای این که گشایشی در کارشان حاصل شود، باید بگذارند توی آب گرم.

رفته بودیم به ملاقات آقای «ب» و برایش کمپوت گلابی و انجیر و چیزهایی برده بودیم که مانع راه بندها می شوند و انسان از طریق آنها از مرحله قبض به مرحله بسط می رسد و انبساط خاطر پیدا می کند.

آقای «ب» می گفت ما برای این که نفهمند کجایمان را عمل کرده ایم می گوئیم هموروئیدمان را عمل کرده ایم. جماعت هم رضایت می دهند که جوابی گرفته اند، حتی اگر معنی آن را نفهمیده باشند. حالا دارم فکر می کنم که بیچاره خارجی ها با این عمل چه می کنند. اگر بگویند هموروئیدمان را عمل کرده ایم، همه می فهمند.

گفتیم لابد آنها هم در جواب پرسش این و آن می گویند بواسیرمان را عمل کرده ایم. برای همه اخلاق خوب و رویی گشاده آرزو می کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ذکر خیر

این هم ابراهیم گلستان به روایت دوست و سرور بزرگوارم آیدین آغداشلو که در همشهری شنبه ۹ آذر ۸۱ چاپ شده است:

— متوجه شدم که آدم بسیار فراخی است... □

این هم محمود دولت آبادی و رضا براهنی به روایت دوست عزیزم محمد محمدعلی:

— امیدوارم براهنی با آن موقعیت ممتاز اجتماعی و توان جسمی و روحی خوبی که در او سراغ داریم همراه با محمود دولت آبادی، یکی از آن بولدوزرهایی باشد که همگان انتظار دارند از نسل دوم داستان نویسان پا پیش بگذارند. □

پیش از این هم عده ای از دوستان اهل قلم، احمد شاملو را به کرگدن و غول تشبیه کرده بودند.

افزایش و کاهش

ما همیشه نگران افزایشها بوده‌ایم. مثلاً وقتی می‌گویند نرخ بیمه افزایش پیدا کرده است نگران می‌شویم. وقتی می‌گویند نرخ اجناس افزایش پیدا کرده است نگران می‌شویم. اخیراً فشارخون ما هم که افزایش پیدا کرده نگران شده‌ایم.

خوشبختانه این روزها خبرهای «افزایش» کم شده و بیشتر خبرهای «کاهش» را می‌خوانیم. مثلاً در خبرها می‌خوانیم که «سن مبتلایان به بیماران ایدز کاهش پیدا کرده است.» یا «سن زنان خیابانی رو به کاهش گذاشته است.» اینها همه خبرهایی مسرت‌بخش است. اما نمی‌دانیم چرا ما همچنان نگرانیم و فشارخونمان کاهش پیدا نمی‌کند.

بازی‌های زبانی

در تعریف «زبان» گفته‌اند: «زبان صداهایی است که معنی داشته باشد.» گاهی صداهایی هم تولید می‌شود که معنی ندارد. اما القای معنی می‌کند مثل صدای شیشکی و غیره. با زبان غیر از حرف زدن کارهای دیگری هم می‌شود انجام داد مثلاً پشت تمبر را خیس کرد و روی پاکت چسباند یا می‌توان با دو انگشت دو گوشه دهان را گرفت و از دو طرف کشید و زبان را این هوا در آورد و زمانی که تلویزیون برنامه سرگرم کننده ندارد مردم را خندانند.

اخیراً بعضی از شاعران زبان باز به بازیهای زبانی روی آورده‌اند. اینان عقیده دارند: «زبان صداهایی است که معنی نداشته باشد.» مثل این شعر:

ای آشنا نگاز

گازنده را بگاز که گازش گزیدنی است.

انتشارات ققنوس منتشر کرده است

تاریخ فلسفه غرب/ ر. ج. هالینگ دیل / ترجمه عبدالحسین آذرنگ

دختر مغول/ کالین فالکنر / ترجمه جواد سعیداشرف

باغ گمشده/ جواد مجابی

آیین بودا/ بردلی هاوکینز/ ترجمه علی حاجی بابایی

ناطور دشت/ جی. دی. سلینجر / ترجمه احمد کریمی

زندگی نو/ اورهان پاموک / ترجمه ارسلان فصیحی

صورالکواکب/ خواجه نصیرالدین طوسی / به کوشش بهروز مشیری

انتشارات ققنوس - تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۲۱۵ تلفن: ۶۴۰۸۶۴۰